

تحلیل محتوای لطایف الطوایف از دریچه عناصر داستانی آن

دکتر بهادر باقری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

لطایف الطوایف اثر ارزشمند فخرالدین علی صفی، یکی از امهات متون ادبیات داستانی ماست که از حیث اشمال بر حکایات کوتاه، طنزآمیز و عبرت‌آموز، دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای است. بسیاری از متون کلاسیک بویژه متون داستانی در مجامع و پژوهش‌های دانشگاهی، تنها از جنبه لغوی (philological) بررسی می‌شوند و از نظر ماهیت داستانی کمتر بدانها عنایت می‌شود و جای تحقیقات تحلیلی (analytic) خالی است.

در این مقاله به بررسی و تحلیل چهار عنصر داستانی یعنی «شخصیت»، «موضوع و درونمایه»، «روایت و روای» و «گفتگو» می‌پردازیم. در بخش شخصیت، حکایات کتاب از شش نظر بررسی می‌شود: (از نظر تعداد شخصیتها، جنسیت شخصیتها، طبقات اجتماعی شخصیتها، حرفه و پیشه آنها، ناهنجاریهای باطنی و ظاهری آنها و ویژگیهای اصلی و مهم شخصیتها).

در بخش دوم مقاله، موضوعات و درونمایه‌های حکایاتها بررسی می‌شود که به چهار دسته کلی تقسیم شده است: درونمایه‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، دینی، مذهبی و هنری.

تمام اطلاعات ارائه شده در دو بخش شخصیت و موضوعات و درونمایه‌ها با ذکر آمار و ارقام و ارائه جدولهایی است که دقیقاً بسامد حضور و ظهور هر مورد را نشان می‌دهد و بدین

ترتیب از هرگونه کلی گویی و اظهارنظر شخصی جلوگیری می‌شود. سعی شده است براساس آمار و ارقام دقیق، تحلیلی کوتاه و درخور حوصله مقاله ارائه شود. در بخش سوم و چهارم مقاله نیز «روایت و راوی» و «گفتگو» در حکایات این کتاب بررسی شده است. امید است که حاصل این پژوهش در مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات، بویژه جامعه ادبی ایران قرن نهم و دهم ه. به کار آید.

کلید واژه: لطایف الطوایف، حکایت، ادبیات داستانی، عناصر داستان.

مقدمه

نگارنده در مقاله‌ای دیگر به بررسی ریخت شناسانه حکایت‌های این کتاب پرداخته و ساختار داستانی آن‌ها را نشان داده است. چکیده یافته‌های آن پژوهش این است که حکایات این کتاب به دو دسته کلی حکایات گفتگو محور و کنش محور قابل تقسیمند. در این مقاله به بررسی و تحلیل چهار عنصر داستانی یعنی «شخصیت»، «موضوع و درونمایه»، «روایت و راوی» و «گفتگو» می‌پردازیم. در بخش شخصیت، حکایات کتاب از شش نظر بررسی شده، در بخش دوم به بررسی موضوعات و درونمایه‌های حکایتها پرداخته شده تقسیم شده است: درونمایه‌های سیاسی اجتماعی، اخلاقی، دینی مذهبی و هنری.

و در بخش سوم و چهارم مقاله نیز «روایت و راوی» و «گفتگو» در حکایات این کتاب بررسی شده است.

۱- شخصیت

۱-۱ بررسی حکایات از نظر تعداد شخصیتها

«اشخاص ساخته شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایشنامه و . . . ظاهر می‌شود، شخصیت می‌نامند. شخصیت در اثر روایتی یا نمایش، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد.» (میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۸۳)

در آغاز بحث ذکر این نکته ضروری است که اطلاق شخصیت بر اشخاص یا تیپهای اجتماعی حکایات متون گذشته از جمله لطایف الطوایف با تسامح صورت می‌گیرد و مطمئناً

ذکر نام اشخاص و برخی اطلاعات تاریخی درباره آنها با تعریفی که امروزه از شخصیت در داستان می‌شناسیم، مطابقت ندارد. پس بهتر است که به آنها کاراکتر یا تیپهای اجتماعی اطلاق شود.

از ۶۴۴ حکایت، ۲۹ حکایت یک شخصیتی‌اند، ۳۹۰ حکایت ۲ شخصیتی، ۱۰۰ حکایت ۳ شخصیتی، ۱۶ حکایت ۴ شخصیتی و تنها یک حکایت دارای ۵، ۷ و ۸ شخصیت است. در ۱۰۶ حکایت نیز مردم حضور دارند، اما یک یا دو نفر به نمایندگی از آنان وارد کش داستانی می‌شوند. البته می‌دانیم که غالب حکایتهای کوتاه، همین گونه‌اند و دو یا سه شخصیت بیشتر مجال حضور و نقش آفرینی پیدا نمی‌کنند و جامعه سنتی فردگرا که برای اجتماع و کار جمعی اهمیتی قائل نمی‌شد، در چشم‌انداز حکایتهای به خوبی خود را نشان می‌دهد. (رک. جدول ۱)

تیپهای اجتماعی لطایف الطوائف را می‌توان از چهار نظر گاه بررسی کرد:

۲-۱ تیپهای اجتماعی لطایف الطوائف (از لحاظ جنسیت)

از کل ۹۲۷ شخصیت حکایتهای ۸۷۵ مرد (۹۵٪) و ۵۲ زن (۵٪) دیده می‌شود. در بین مردان ۴۸۴ مورد با نام و ۳۹۱ مورد بی‌نامند. اگر این آمار را با حضور زنان مقایسه کنیم که تنها ۴ مورد آنان با نام هستند، ارتباط وثیقی بین این موضوع و مسائل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه سنتی ایران می‌بینیم که به حضور کمرنگ و حاشیه‌ای زن در متن و بطن جامعه انجامیده است. نقطه اشتراک زنان حکایتهای دو صفت زیبایی و سخنوری (حاضر جوابی) است. مظلومیت و در عین حال شجاعت و صراحت در آنها هویداست و در اکثر موارد با تیغ زبان و فصاحت خود به مرد مغرور و قدرتمند چیره می‌شوند. حضور ۱۵ کنیزک زیبا و سخنور، نشان دهنده واقعیت برده‌داری و خرید و فروش کنیزان در جامعه سنتی ایران است که پیامد آن نگاه ابزاری به زن است.

در چهار مورد زن زشت روی و در یک مورد به زن بدکار و زن مدعی نبوت اشارت رفته است. دو تن از شاعران نیز زن هستند (مهستی و جهان ملک خاتون). در کل، چهره زن در این کتاب، مثبت و تحسین برانگیز و قابل احترام است. (رک. جدول ۲)

۳-۱- تیپهای اجتماعی لطایف الطوائف (از لحاظ طبقات اجتماعی)

با بهره‌گیری از شیوه دسته‌بندی طبقات اجتماعی ماکس وبر^۱ و تطبیق آن با جامعه سنتی ایران می‌توان تیپهای اجتماعی حاضر در کتاب را در ۶ دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱- صاحبان قدرت، (شاهان، حاکمان، خلفا)، ۲- وابستگان به مرکز قدرت (شاعران، وزیران، ندیمان، مقربان درگاه، سپاهیان، عاملان، کاتبان، فرماندهان، محتسبان)، ۳- ممتازان (عالمان، قاضیان، طبیبان، عارفان، توانگران، معبران خواب، فقیهان، بزرگ زادگان، منجمان و اعطان، امامان جماعت، موبد موبدان و حافظان قرآن)، ۴- ظرفان، ۵- مقدسان (ائمه اطهار (ع)، پیامبران (ص)، جبرئیل)، ۶- مردم (که در شکلها و مشاغل و با صفات متنوعی نقش ایفا می‌کنند مانند: جمعیت، زنان، کودکان زیرک، مردان، اعراب، اصحاب پیامبر، جوانان زیبا، غلامان، گدایان، درویشان، دهقانان، مؤذنان، ترسایان، زندیقان و ...)

با نگاهی به جدول شماره ۳، درمی‌یابیم که بیشترین بسامد مربوط به صاحبان قدرت (۱۶۶ مورد)، وابستگان به مرکز قدرت (۱۶۳)، ممتازان (۱۴۱)، ظرفان (۸۵) و مقدسان (۴۶) است که جمعاً ۶۰۱ بار نقش‌آفرینی کرده‌اند و در مقابل این فرادستان، به فرودستان می‌رسیم که جمعاً ۴۳۷ بار در حکایتها ظاهر شده‌اند. گویی عامه مردم بیشتر دوست دارند از لطایف و اسرار بزرگان و برجستگان خبردار شوند، هر چند در این کتاب سهم مردم عادی نیز فراموش نشده و جای جای از ظرافت، زیرکی، مظلومیت، اعتراض خاموش و آشکار و جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت آنان سخن به میان آمده است. (رک. جدول ۳)

۴-۱- تیپهای اجتماعی لطایف الطوائف (از لحاظ حرفه و پیشه)

تیپهای اجتماعی کتاب را از لحاظ حرفه و پیشه می‌توان به ۱۹ دسته تقسیم‌بندی کرد که از نظر بسامد حضورشان در داستانها بدین ترتیب دیده می‌شوند:

شاهان (۱۶۶)، شاعران (۸۵)، وزیران (۳۸)، قاضیان (۲۸)، ندیمان (۱۸)، غلامان (۱۸) طبیبان (۱۵)، فقیهان (۷)، مقربان درگاه (۶)، سپاهیان (۵)، دهقانان (۴)، عاملان، کاتبان، منجمان، واعطان، امامان جماعت، مطربان (۳)، فرماندهان و محتسبان (۲)، چوپان، حمامی، خطیب، راهدار، سرتراش، صاحب کاروانسرا، صیاد، طلبه، مرده شور، نانوا و نخاس (۱).

۵-۱- تپهای اجتماعی لطایف الطوائف (از لحاظ ناهنجاریهای باطنی و ظاهری)

یکی از ترفندهای حکایات طنزآمیز، برجسته کردن یا کاریکاتوری کردن ناهنجاریها و نقصانهای باطنی/ اخلاقی یا ظاهری شخصیتهاست. نکته قابل توجه این است که حکایتی که ناهنجاریهای اخلاقی را در کانون توجه و تأکید خود قرار می‌دهند ۱۱۳ مورد یعنی حدود چهار برابر حکایتی است که به عیوب و ناهنجاریهای ظاهری افراد پرداخته است (۳۱ مورد) و می‌توان گفت که نویسنده در لباس واعظ، بدیهی است که مسائل اخلاقی و رفتاری را بر مسائل صوری ترجیح دهد. شخصیت‌هایی که مبتلا به ناهنجاریهای اخلاقی و رفتاری هستند، عبارتند از: ابلهان (۲۸)، بخیلان (۲۷)، دیوانگان / عقلای مجانین (۲۶)، گرانجانان (۱۲)، طمع کاران (۸)، مدعیان نبوت (۸)، هزالان (۶)، دروغگویان (۴)، شکمبارگان (۴)، طفیلیان (۳)، مطربان بدآواز (۳)، زناکاران (۲)، سخن چینان (۲).

مبتلایان به ناهنجاریهای ظاهری (جسمانی) هم عبارتند از:

بیماران (۱۲)، زشت رویان (۸)، کران (۴)، کوران (۴)، احولان (۳).

آیا این آمار و ارقام به عنوان مثنی که نمونه خروار است، طعن و تعریضی بر اصلی‌ترین ناهنجاریهای رفتاری ایران آن روزگار یعنی بلاهت، بخل، گرانجانی، طمع، دروغ و... نیست؟ (رک. جدول ۴)

۶-۱- ویژگیهای اصلی و مهم شخصیتها

در این بخش ویژگیهای تپهای اجتماعی و میزان تکرار آن ویژگیها را مرور می‌کنیم. تکرار این خصایص شاید نشان دهنده اهمیت خاصی است که نویسنده یا جامعه آن روز برای این موارد قائل بوده‌اند:

شاهان و حاکمان: تأثیر پذیری از سخن نیکو و پاداش دادن (۳۵)، دوست داشتن سخن زیبا و نغز (۲۲)، عفو و اغماض (۱۸)، علم و فراست (۱۰)، همت والا (۷)، قاطعیت (۶)، شجاعت (۶)، شوخ طبعی (۵)، تهدید و وعید (۴)، رحمت و شفقت (۴)، فصاحت (۴)، دینداری (۳)، احترام به بزرگان (۳)، دوری از شهوت (۲)، کشتن معترضان (۱).

حکایت‌های مربوط به پادشاهان بیشتر به اخلاق نیک، عفو، تحمل اعتراض و دادخواهی مظلومان یا خطاکاران، فراست، همت والا و اصولاً جنبه‌های مثبت اخلاقی شاهان تأکید می‌ورزد



و تنه در یک مورد، شاه فردی را به دلیل اعتراض می‌کشد.
وزیران و امیران: فصاحت و حاضر جوابی (۱۸)، تأثیرپذیری از سخن نیکو و پاداش دادن (۷)، تهدید و مجازات (۵)، صله دادن (۳).

ندیمان: فصاحت (۱۲)، سپاهیان: فصاحت (۱۲)، اعراب فصاحت: (۴۰)، دهقانان: فصاحت و شجاعت (۴)، علما: فصاحت (۹)، صوفیان: فصاحت (۶)، شکمبارگی (۲)، ظریفان: فصاحت (۱۱۴)، قاضیان: فصاحت و طنز (۹)، باهوشی (۹)، ستمگری و بی‌عدالتی (۱)، فقیهان: فصاحت و طنز (۴)، درایت (۲)، کودنی (۱)، واعظان: فصاحت (۳)، گدایی (۲)، ریاکاری (۱)، حکیمان: فصاحت (۲۱)، طبیبان: فصاحت و طنز (۹)، حاذق بودن (۳)، منجمان: حاذق بودن (۴)، فصاحت (۱)، معبران خواب: مهارت (۱۰)، شاعران: بدیهه‌گویی و طنز (۵۹)، مداحی (۱۴)، مزاح با یکدیگر (۷)، مسابقه با یکدیگر (۶)، مهمل‌گویی (۶)، هجو یکدیگر (۲)، کودکان: زیرکی و فصاحت (۱۹)، غلامان: زیرکی و فصاحت (۱۰).

با نگاهی مجدد به بسامد ویژگیهای اخلاقی و رفتاری شخصیتها درمی‌یابیم که فصاحت، بدیهه‌گویی و زیرکی، وجه مشترک همه آنهاست و صفات دیگر در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

البته باید توجه داشت که تأکید نویسنده بر فصاحت و حاضر جوابی شخصیتهای حکایتها صرفاً برای نشان دادن هنر مناظره نیست، بلکه در دل این گفتگوهای نغز و زیبا، درونمایه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی و ... مطمح نظر او بوده است که در بخش بعدی مقاله به تحلیل آن خواهیم پرداخت.

جدول ۱- تقسیم‌بندی حکایت‌ها از نظر تعداد شخصیت

تعداد شخصیتها	تعداد حکایتها	درصد
۱	۲۹	۴/۵۰۳
۲	۳۹۰	۶۰/۵۵
۳	۱۰۰	۱۵/۵۲
۴	۱۶	۲/۴۸
۵	۱	٪۱۵

تحلیل محتوای لطایف الطوایف...

۷	۱	٪۱۵
۸	۱	٪۱۵
بیش از ۳ (همراه مردم)	۱۰۶	۱۶/۴۵
جمع	۶۴۴	۱۰۰

جدول ۲- تیپهای اجتماعی لطایف الطوایف (از لحاظ جنسیت)

مردان	با نام	بی نام	درصد	زنان	با نام	بی نام	درصد
۸۷۵	۴۸۴	۳۹۱	۹۵	۵۲	۴	۴۸	۵

جدول ۳- تیپهای اجتماعی لطایف الطوایف (از لحاظ طبقات اجتماعی)

الف - فرادستان (۶۰۱ مورد)

ردیف	نوع تیپ	زیر مجموعه	تعداد کل	بی نام	با نام	نامها و میزان تکرار آنها
۱	صاحبان قدرت (۱۶۶)	شاهان / حاکمان / خلفا	۱۶۶	۳۴	۱۳۲	حجاج بن یوسف (۱۰)، سلطان محمود (۱۰)، متوکل (۱۰)، مأمون (۹)، معاویه (۷) (۵)، خسرو پرویز (۵)، اسکندر (۴)، انوشیروان (۴)، منصور (۴)، سلیمان بن عبدالملک (۳)، عبدالملک مروان (۳)، سلطان سنجر سلجوقی (۳)، عمر بن عبد العزيز (۳)، کسری (۳)، میرزا بابر (۳)، هارون (۳)، امین (۲)، تیمورلنگ (۲)، شاه شجاع (۲)، عمرولیث (۲) (۲)، قیصر روم (۲)، معتصم (۲) (۲)، منوچهر (۲)، میرزا بایسنقر (۲)، یعقوب لیث (۲) (۸)، خلیفه بغداد (۸)، ۳۰



مورد دیگر هر کدام یک- بار مطرح شده‌اند.						
جامی (۲۵)، سلمان ساوجی (۴)، سراج قمری (۲)، عنصری (۲)، فرزدق (۲)، لطف الله نیشابوری (۲)، وطواط (۲) بقیه شاعران هر کدام یک بار حضور یافته- اند.	۷۴	۱۱	۸۵	شاعران	وابستگان به مرکز قدرت) (۱۶۳)	۲
صاحب بن عباد (۵)، یحیی بن خالد (۵)، احمد بن ابی دؤاد (۳)، جعفر بن یحیی) (۲)، خواجه پیر احمد خوافی (۲)، عبیدالله بن سلیمان (۲)، فضل بن ربیع (۲). بقیه وزیران هر کدام یک بار حضور یافته‌اند.	۳۲	۶	۳۸	وزیران		
جماز، رافع بن سیار، سید جنابدی، شاهین، عبدالله بن طاهر، ماکان، مره ثقفی، مصعب بن زبیر، مولانا نعمان صدر، همام	۱۰	۸	۱۸	ندیمان		
	—	۶	۶	مقربان درگاه		
	—	۵	۵	سپاهیان		
	—	۳	۳	عاملان		
خواجه منتجب الدین بدیع، خواجه نورالدین منشی، فرید کاتب	۳	—	۳	کاتبان		
—	—	۲	۲	فرماندهان		
—	—	۲	۲	محتسبان		
قطب الدین علامه (۲)، احمد	۱۷	۲۹	۴۶	عالمان	ممتازان)	۳

بن فارس، ابوریحان، احنف قیس، ارسطو، اسحاق موصلی، بقراط، جالینوس، خواجه نصیرالدین طوسی، سفیان بن عیینه، شریک، شیخ الاسلام هرات، فخرالملک، محمد بن زکریا، مرتعش، مولانا پادشاه، مولانا پیر شمس هراتی، مولانا سعید مولتانی (هر کدام یک بار)، عناوین کلی: حکیم (۱۳)، عالم دینی (۶)، علما (۳)، منجم (۱)، عالم مصری (۱)					(۱۴۱)	
ضی شریح (۴)، قاضی ایاس (۳)، قاضی ابویوسف (۲)، بقیه هر کدام یک بار: شمس الدین طبسی، عبدالوهاب طوسی، عضد، فتح الله، فراه عناوین کلی: قاضی غور، قاضی قم	۱۷	۱۱	۲۸	قاضیان		
قطیعی مصری (۲)	۲	۱۳	۱۵	طیبیان		
ابوحازم اعرج، ابوعبدالله حضرمی، بناء، پیرجمال عراقی، جنید، سری سقطی و شقیق بلخی (۲)، شیخ صدرالدین رواسی، مولانا و نجم دایه (۱)	۱۱	—	۱۱	عارفان		
—	—	۹	۹	توانگران		
ابن سیرین (۴)	۴	۴	۸	معبران خواب		

فقیهان	۷	۲	۵	ابویوسف، صدرالشریعه، عمرو بن عبید، مولانا غیاث، مولانا مزید
بزرگ زادگان	۴	۴	-	-
منجمان	۳	۳	-	-
واعظان	۳	۳	-	-
امامان جماعت	۳	۳	-	-
موید موبدان	۲	۲	-	-
حافظان قرآن	۲	۲	-	-
ظریفان (۸۵)	-	۸۵	۵۰	۳۵
مقدسان (۴۶)	ائمه اطهار(ع)	۲۹	-	۲۹
پیامبر اکرم (ص)	۱۵	-	۱۵	—
جبرئیل	۲	-	۲	—

ب - فرودستان (۴۳۷ مورد)

ردیف	نوع تیپ	زیر مجموعه‌ها	تعداد کل	بی‌نام	با نام	نام‌ها و میزان تکرار آنها
۶	مردم	جمعیت	۷۲	۷۲	-	زهرا (س)، جهان ملک خاتون، صفیه عمه پیامبر و عایشه (۲)، زن زیبا و حاضر جواب (۸)، زیبا (۴)، زشت روی (۴)، کنیزک زیبا و سخنور (۱۵)، پیرزن (۳)، بدکار (۱)، مادر (۲)، مدعی-نبوت (۱)، زن (۷)
		کودکان زیرک	۱۷	۷	۱۰	جوحی (۲)، ابوالعصر، ابولعینا، الیاس بن معاویه مزنی، حسین بن فضل، عبدالرحمن ابی الرجاء، فتح بن خاقان، مره، یحیی بن اکثم، دختر دانا (۳)
		اعراب/ اعرابی	۳۳	۳۳	-	-
		اصحاب پیامبر	۱۵	-	۱۵	نعیمان بن عمروانصاری (۵)، انس بن مالک (۲)، خوات بن جبیر، سویط بن حرمله، صهیب رومی، عثمان بن عفان، عوف بن سالک صحابی، مخرمه بن نوفل، نافع بن جبیر
		جوانان زیبا	۵	۵	-	-
		غلامان	۱۸	۱۴	۴	ایاز (۲)، علی سرخ (۲)

گدایان	۹	۴	۵	عباس دوس (۲)، مولانا ارشد واعظ (۲)، قاضی- اورش واعظ (۱)
درویشان	۸	۸	-	-
دهقانان	۴	۴	-	-
مؤذنان	۳	۳	-	-
ترسایان	۳	۳	-	-
زندیقان	۲	۲	-	-
سایر موارد	۱۴۴	۱۲۳	۲۱	-

جدول ۴- تپهای اجتماعی لطایف الطوائف (از لحاظ ناهنجاریهای باطنی و ظاهری)

ردیف	نوع تیپ	زیرمجموعه	تعداد کل	بی نام	با نام	نام ها و میزان تکرار آنها
۱	ناهنجاریهای باطنی/اخلاقی (۱۱۳)	ابلهان	۲۸	۲۸	-	معلم احمق (۵)، بزرگ زاده احمق (۵)، طیب احمق (۲)
		بخیلان	۲۷	۲۳	۴	ابوالاسود، سعید بن هارون، شمامه، مولانا ساغری
		دیوانگان (عقلای مجانین)	۲۶	۱۷	۹	بهلول (۷)، ریحانه مجدوبه، علیان، لغدان
		گرانجانان	۱۲	۱۲	-	-
		طمع کاران	۸	-	۸	اشعب بن جابر (۶)، قالب الصخره (۲)
		مدعیان نبوت	۸	۸	-	(یکی از مدعیان زن است)
		هزالان	۶	۶	-	-
		دروغگویان	۴	۴	-	-
		شکمبارگان	۴	۴	-	-
		طفیلیان	۳	۳	-	-

مطربان بد آواز	۳	۳	-	-
زناکاران	۲	۲	-	مواردی که فقط یک بار
سخن چینان	۲	۲	-	حضور یافته‌اند: بوالفضول، فاسق، فضولی، لافزن، مخنث.
بیماران	۱۲	۱۲	-	-
زشت رویان	۸	۸	-	-
کران	۴	۴	-	-
کوران	۴	۴	-	-
احولان	۳	۳	-	-
				مواردی که فقط یک بار حضور یافته‌اند: اغور، بدبوی دهان، بزرگ بینی

۲- موضوع و درونمایه حکایتها

۴۱

«درونمایه، فکر اصلی و مسلط در هر اثری است، خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیتهای داستان را به هم پیوند می‌دهد. به بیانی دیگر، درونمایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند، به همین جهت است که می‌گویند درونمایه هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴)

موضوعات و درونمایه‌های حکایات این کتاب را براساس میزان تکرار و تأکید آنها می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) سیاسی و اجتماعی، ب) اخلاقی، ج) دینی - مذهبی، د) هنری

الف) درونمایه های سیاسی اجتماعی

از کل موضوعات کتاب، ۳۰۱ مورد در حیطه مسائل سیاسی و اجتماعی است که از میان ۱۳۰ مورد (حدود نصف موضوعات اجتماعی) تنها به شاهان و حاکمان و مسائل مربوط به

حکومت اختصاص دارد. به اختصار می‌توان این درونمایه‌ها و میزان تکرار آنها را چنین برشمرد.

شاه در هر درجه از مقام و جدیت و خشم که باشد، بر اثر سخن زیبا، سنجیده، قاطع، منطقی و طنزآمیز، آرام می‌شود و گناهکاران یا متهمان را می‌بخشد (۴۰ مورد)، دست بالای دست بسیار است (۱۰)، سخن گفتن و هرگونه ادعا در حضور شاه، آداب ویژه خود را دارد و اصولاً خطرناک است (۲۰)، همچنین بر این مسائل تأکید و نشان داده شده که یا شاه دارای این خصال است و یا باید باشد:

نکوهش ستمگری (۱۰)، لزوم سپردن کار به کاردان (۵)، میدان ندادن به ساعیان (۴)، دائمی نبودن حکومت و ریاست (۳)، ترجیح دادن عفو بر انتقام (۳)، عدالت (۲)، توجه به سپاهیان (۲)، تدبیر و کشور داری (۲)، قدرت، سخنوری، عمل کردن به قول، کشورگشایی، پایداری در جنگ، نیرنگ در جنگ، اخلاص عمل، داشتن استقلال رأی، ژرفکاو در مسائل و قاطعیت و پرهیز از دادن القاب بی مسمی به بزرگان، خشونت، تنبیه بیش از حد، لذت پرستی، عزل بی دلیل و فریب مداحان خوردن. در این کتاب گاه با شاهان یا شاهزادگان ابله نیز روبرو می‌شویم. همچنین این نکته که «الناس علی دین ملوکهم» مطرح شده است.

از شاهان و حاکمان که بگذریم، نوبت به دیگر طبقات اجتماعی می‌رسد. قاضیان ۱۴، طبیبان ۶، و منجمان ۴ بار مطرح و از زیرکی و فراست و کاردانی آنها یاد شده و قاضیان گاه به رشوه گیری، عشق و نظربازی متهم شده‌اند.

هنجارهای اجتماعی بدین قرار است: ظرافت طبع و حاضر جوابی و سخن حکیمانه در ۳۲ مورد باعث ارتقای مقام، رسیدن به مقصود و رفع ستم شده، در ۲۸ مورد تنها باعث شادی افزایی و در موارد زیادی باعث نجات جان مقصران یا متهمان شده و این مطلب که بر منطق گفتگو و تأمل قدرتمندان و ایجاد زمینه برای اعتراض و اظهارنظر فرودستان تأکید می‌ورزد، از نظر اجتماعی حائز اهمیت است.

ناهنجاریهای اجتماعی نیز بدین قرار است:

حماقت (۲۲)، گرانجانی (۷)، طفیلی گری (۴)، دزدی (۴)، گدایی (۴)، فقر (۲)، خوارشمردن زشت رویی (۲)، خودپسندی، نادانی عوام، مرده پرستی، رفاه بیش از حد، دنیاپرستی، استراق بصر و اعتقاد به بخت و اقبال.

برخی واقعیات اجتماعی عبارتند از : حرف راست را باید از دیوان شنید (۱۰)، ای بسا دیوانه که عاقل است (۹)، تقیه برای حفظ جان ضروری است (۲).

ب) درونمایه‌های اخلاقی

درونمایه‌های اخلاقی یا به شرح و تبلیغ صفات نیک اخلاقی اختصاص دارد (۵۴)، و یا در نکوهش ناهنجاری اخلاقی است. (۷۴)

صفات نیک: جدی گرفتن کودکان و اجازه اظهار نظر به آنها دادن (۱۱)، همت والا (۵)، زیرکی (۴)، مهمان نوازی (۴)، سیرت زیبا (۳)، قناعت (۳)، سخاوت (۳)، عقل، صداقت، امید، سخن سنجیده، واقع بینی، غنیمت شمردن عمر، عیب پوشی، اراده، نظافت، عفت زن، توبه، شرم، سحرخیزی، صبر، بصیرت، حفظ حرمت پدر و تواضع .
صفات بد: حکم به ظاهر کردن و ظاهرپرستی (۲۰)، خساست (۱۴)، شکم‌پرستی (۷)، طمع (۵)

دنیا پرستی (۴)، شهوت (۴)، عادت ناپسند (۳)، دروغ (۲)، تعارف بی‌جا (۲)، خودپسندی، مرده‌خواری، غرور، بی‌خبری از عیب خود، مستی، تمسخر، قیاس بی‌جا و حکم بر اساس ظن و گمان کردن.

۴۳



ج) درونمایه‌های دینی - مذهبی

از آنجا که مؤلف به احتمال زیاد شیعه است و در مقدمه و همچنین باب دوم، حکایات زیبایی مربوط به ائمه اطهار (ع) ابراز داشته است، حجم زیادی از درونمایه‌ها، مربوط به پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام است. برخی از آنها عبارتند از :

۱. پیامبر (ص) و علی (ع) شوخ طبعند و شوخ طبعان را دوست دارند و دعا می‌کنند. (

۱۸)

۲. ائمه اطهار دارای این ویژگیها هستند: حاضر جوابی (۱۰)، قضاوت درست، عصمت، شجاعت، بی‌اعتنایی نسبت به قدرت، زیرکی، علم، توکل به خدا، مهمان‌نوازی، سخاوت، احترام به بزرگتر، مخالفت با معتزله و مشبهه، محبت به کودکان، تنها در یک مورد، مسأله حق امامت اهل بیت مطرح شده است.

پس از آن، به مسائل ایجابی و سلبی دینی - که درونمایه برخی حکایات است - برمی‌خوریم:

الف) مسائل ایجابی: گریز ناپذیر بودن مرگ و لزوم تسلیم شدن به آن (۵) تسلیم اراده خدا بودن (۲)، لزوم توجه و خشوع در نماز (۲)، بی‌اثر بودن دعای طفلان (۲)، ترجیح اختیار بر تقدیر، تناسب تکلیف الهی و توان خلق، قدیم بودن خدا و حادث بودن انسان، حق بودن همه ادیان، لزوم علم و آگاهی در نهی از منکر، اختصاص رحمت خداوند به نیکو کاران، لزوم توجه به خدا و بریدن از غیر خدا، لزوم اخلاص در وعظ، رسیدن نیکوکاران به پاداش و بدکاران به مجازات الهی.

ب) مسائل سلبی: توجیه شرعی گناه (۳)، ادعای نبوت (۳)، مؤاخذه کسی به دلیل گناه دیگری (۲)، سوءاستفاده از دین (۲)، سوءاستفاده از قرآن (۲)، سوءاستفاده از سیادت (۲)، حيله‌های فقهی (۲) و نکوهش تفسیر به رأی. البته در بسیاری از حکایات با مقدسات، از جمله آیات و احکام اسلامی مزاح شده است.

د) درونمایه‌های هنری

چون مبنای بخش قابل توجهی از حکایات، حاضر جوابی، سخن نغز یا طنز آمیز است، درونمایه این نوع حکایات، تأکید بر بعد هنری کلام و تأثیر گذاری آن است: حاضر جوابی و نکته‌پردازی، هنر است (۳۰)، سخن نغز و زیبا، تأثیر گذار است (۸)، نحوه بیان مطلب، بسیار مهم است (۴)، گاه شعر فقط برای خوشامد شاهان است (۴)، شیرین سخنی پاداش نیکو در پی دارد (۳)، هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد (۳)، حسن طلب، وافی به مقصود است (۲)، تکرار سبب ملال است، «خیر الکلام ما قلّ و دلّ» و سخن نشانه عقل است.

۳. روایت و راوی

«زاویه دید یا زاویه روایت، نمایش دهنده شیوه‌ای است که نویسنده با آن مصالح و مواد داستان خود را به خواننده عرضه می‌کند و در واقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۳۸۵)

از ۶۴۴ حکایت این کتاب، ۳۰ حکایت از کتابهای دیگر نقل شده (نام منبع اولیه ذکر شده است)، ۲۳ حکایت از افراد خاصی روایت شده که فقط راوی‌اند و یا خود یکی از شخصیت‌های

حکایت و یا ناظر ماجرا بوده‌اند. بخصوص در بابهای اول و دوم که اختصاص به لطایف و حکایات مربوط به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) دارد، نویسنده وسواس خاصی برای ذکر منبع خود (اعم از کتاب یا افراد) دارد. دقت، احتیاط و امانتداری او در ذکر ۵۳ حکایت مستند، مشخص است. اما راوی حدود ششصد حکایت، خود نویسنده است. زمان افعال حکایتهای ماضی است و غالباً با نام اشخاص مهم و دخیل در حکایت و اطلاعات اولیه و ضروری درباره آنها آغاز می‌شود. پایان بندی حکایات نیز بدین طریق است که غالباً نویسنده بر اصل حکایات چیزی نمی‌افزاید و به نتیجه گیری اخلاقی و اطناب نمی‌پردازد. حتی در پایان حکایاتی که دارای بازی لفظی و برای خواننده عادی، محتاج شرح و توضیحند، هیچ توضیح و تفسیری نیامده است.

۴. گفتگو

«گفتگو به معنای مکالمه و صحبت کردن با هم و مبادله افکار و عقاید است؛ به عبارت دیگر، صحبتی است که در میان شخصیتها یا به طور گسترده‌تر، آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در هر اثر ادبی صورت می‌گیرد.» (میر صادقی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۶)

۴۵



گفتگو معمولاً در سه شکل پرسش و پاسخ، واگویه درونی و تک‌گویی یا گفتار یکطرفه صورت می‌گیرد. در لطایف الطوائف، اکثر قریب به اتفاق گفتگوها به شکل ساده و مستقیم پرسش و پاسخ صورت می‌گیرد و دو نوع دیگر در آن بسیار نادر است و دلیل آن نیز این است که هدف اصلی نویسنده پرداختن به مناظرات و محاضرات و نشان دادن قدرت بداهه گویی و حاضر جوابی شخصیتهای حکایتهاست هر چند در معدودی از حکایتهای، بعضی اشخاص به واگویه‌های درونی نیز می‌پردازند که تعداد آنها بسیار ناچیز است و تقریباً هیچکدام از حکایتهای این کتاب با تک‌گویی یا گفتار یک طرفه پایان نمی‌پذیرد. و از این نظر به اصول داستان‌نویسی امروز نزدیک است که دخالت و اظهار نظر نویسنده را درباره حوادث و اشخاص برنمی‌تابد.

پی‌نوشت

۱. ماکس وبر جامعه شناس شهیر آلمانی بحث مهم طبقه و منزلت را مطرح کرده است. «در اصطلاح شناسی، طبقه همان اجتماع نیست بلکه صرفاً نشان دهنده مبانی رایج کنش جمعی است. طبقه را با توجه به: (۱) تعداد افرادی که در یک بخش عکلی معینی از امکانات زندگی شان مشترک هستند، (۲) که این بخش صرفاً نفع اقتصادی را در تملک کالاها و فرصتهای درآمدی نشان می‌دهد، (۳) و تحت شرایط بازار کار یا کالا مشخص می‌شود، تعریف می‌کنیم. . . . عاملی که طبقه را به وجود می‌آورد، بی هیچ گونه ابهامی، منافع اقتصادی است. برخلاف طبقات، گروههای منزلتی معمولاً اجتماع به شمار می‌آیند. هر چند بیشتر این گروههای منزلتی از نوع گروههای بی‌نظمند. به رغم «وضعیت منزلتی»، هر بخش از زندگی افراد را برآوردهای اجتماعی ویژه مثبت یا منفی افتخار تعیین می‌کند. . . . تمایزهای طبقه‌ای در بسیاری از جنبه‌ها با تمایزهای منزلتی درهم تنیده شده است. به این ترتیب، ثروت مادی همیشه شرط لازم منزلت به شمار نمی‌آید. اما در دراز مدت و در شرایط استثنایی چنین است. . . . افراد دارا و ندار هر دو می‌توانند به گروه منزلتی یکسانی وابسته باشند و با پیامدهای عینی آن بیامیزند.» (کوزر، لوئیس، ۱۳۷۸، ص ۳۳۲ تا ۳۸۸)

ما نیز در این پژوهش برای پرهیز از خلط مبحث، تیپهای اجتماعی حاضر در داستانهای لطایف الطوایف را از سه منظر جسنیت، طبقات اجتماعی، و حرفه و پیشه بررسی کرده‌ایم.

منابع

۱. فخرالدین علی صفی؛ مقدمه و تصحیح احمد گلچین معانی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات اقبال و شرکا، ۱۳۳۶.
۲. کوزر، لوئیس و برنارد، روزنبرگ؛ نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۳. میر صادقی، جمال؛ عناصر داستان، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۶.
۴. وبر، ماکس؛ مفاهیم اساسی جامعه شناسی، ترجمه احمد صدارتی، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.